

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۰/۰۵

توسل و استغاثه در فرهنگ شیعه و اهل سنت

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على فاطمة و أبيها و بعلمها و بنیها و سرّ المستودع فیها بعدد ما أحاط به علمک

صلوات خاصه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام و درود خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند و بزرگوار «شبکه جهانی ولایت». ان شاء الله خوب و خوش و سلامت باشید، در این شب‌های سرد زمستان کانون خانواده و کرسی دلتان گرم گرم باشد و در پرتو انوار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشید.

الهی شکر که باز هم خدا به ما توفیق داد تا امشب هم با همکارانمان در «شبکه جهانی ولایت» به خانه‌های شما آمدیم برنامه زنده «حبل المتین» را تقدیم شما کنیم و در این شب‌های سرد زمستانی مهمان خانه‌های شما باشیم.

خیلی خوشحال می‌شویم که شما هم ارتباطتان را با ما برقرار کنید. شماره‌هایی که زیرنویس شده است، راه‌های ارتباطی ماست.

«۳۰۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه ماست؛ شما عزیزانی که در جای جای ایران اسلامی هستید، می‌توانید عشق و ارادت و محبتتان را به ساحت نازنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در قالب یک پیام به ما انتقال بدهید.

همچنین شماره دیگری که زیرنویس شده است، شماره‌ای است که از طریق فضای مجازی با استفاده از برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر با ما ارتباط داشته باشید. این نرم‌افزارها در اختیارتان هست و ما منتظر هستیم که پیام‌های شما را دریافت کنیم.

اگر از شمال و جنوب و شرق و غرب ایران اسلامی یا جای جای این عالم پهناور و این کره خاکی برنامه زنده «حبل المتین» را همراهی می‌کنید، بسیار خوشحال می‌شویم که پیام‌های شما را دریافت کنیم.

البته در بخشی از برنامه هم دوستان من زحمت می‌کشند شماره تلفن‌های «شبکه جهانی ولایت» را برای شما زیرنویس می‌کنند و معنای این کار این است که شما می‌توانید به صورت زنده و مستقیم با ما ارتباط داشته باشید و پیام‌های خودتان را برای ما ارسال کنید.

چند روز قبل سالروز اتفاقی مهم و تاریخی در شهر مقدس قم هست و آن هم ورود پرخیر و برکت و تاریخی حضرت کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به شهر مقدس قم بود که یک مراسم بسیار بسیار باشکوه در شهر مقدس قم برقرار شد.

در قم خیابانی به نام خیابان امامزاده شاه ابراهیم وجود دارد که از آنجا کاروان بسیار زیبا و نمادین با دسته‌های گل و پرچم‌های رنگی حرکت کردند تا شمایل روز ورود حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در ۲۳ ربیع الاول را به وجود آورند.

مردم قم به صورت نمادین از حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) استقبال کردند و بسیار مراسم باشکوهی بود. ان شاء الله شما هم برنامه ریزی کنید تا در سالهای آینده بتوانید در این مراسم شرکت کنید.

مناسبت دیگری هم که امروز پشت سر گذاشتیم، سالروز ولادت حضرت عیسی مسیح نبی گرامی است که نامشان هم در قرآن کریم آمده است.

ولادت حضرت مسیح را خدمت تمام مسیحیان عالم، کسانی که موحد هستند و زیر پرچم حضرت مسیح هستند؛ تبریک عرض می‌کنم. ان شاء الله راه حق و حقیقت را در پرتو دین مبین اسلام پیدا کنند.

ما برای شروع می‌خواهیم یک میان برنامه از حرم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در ایامی که متعلق به ورود این بانوی بزرگوار به شهر مقدس قم هست، ببینیم تا برنامه ما متبرک شود. سپس در خدمت شما هستیم و منتظر پیام‌هایتان هم خواهیم بود.

دارد دل ما راه نجاتی دیگر

در مشهد و در قم عتباتی دیگر

بر بانوی باکرامت قم صلوات

بر شاه خراسان صلواتی دیگر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

همان‌طور که خدمتتان گفتم ایام، ایام بسیار مبارکی است. ایام ورود حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به شهر مقدس قم هست و مردم قم ورود پرخیر و برکت این بانوی بافضیلت و باکرامت را جشن می‌گیرند.

امشب در برنامه زنده «حبل المتین» همانند برنامه هفته‌های گذشته توفیق داریم تا در محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم و ان شاءالله از محضر این عزیز بزرگوار بهره‌مند بشویم. جناب استاد خدمت شما سلام عرض می‌کنم، خیلی خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ خداوند جزای خیر به شما بدهد. خدمت شما و همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستید و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران ویژه و از سربازان فداکار آن حضرت قرار بدهد.

از خداوند می‌خواهیم حوائج همه ما و شما را برآورده کند، دغدغه‌های فکری ما را برطرف سازد، دعا‌های ما را به اجابت برساند، ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله؛ از حضور حضرتعالی خیلی ممنون و سپاسگذارم. جناب استاد ما در جلسات قبل به بهانه ایام ولادت ششمین امام شیعیان پیرامون زندگی وجود ششمین امام همام شیعیان امام جعفر صادق (علیه السلام) صحبت کردیم.

نکته مهمی که به نظر من لازم است پیرامون آن صحبت کنیم، توسل نزد امام صادق (علیه السلام) است که ما از دیدگاه شما استفاده می‌کنیم و مطالبی در این خصوص بیان خواهید فرمود.

مقایسه امام صادق (سلام الله علیه) با «محمد بن عبد الوهاب»!!!

متأسفانه شبکه‌های وهابی اخیراً موجی به راه انداختند و مقایسه باطلی انجام می‌دهند. آن‌ها دو شخصیت نور مطلق و ظلمت مطلق را در کنار هم قرار می‌دهند و امام صادق (علیه السلام) را با امام و پیغمبر وهابیت «محمد بن عبدالوهاب» مقایسه می‌کنند.

ابتدا دیدگاه امام صادق (علیه السلام) در خصوص توسل را بفرمایید و قبل از آن هم اشاره به موجی که راه انداختند و مقایسه باطلی که انجام می‌دهند، بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير

همان‌طور که اشاره کردید بعضی از شبکه‌های شیطانی و ماجراجو و سران فتنه پول‌هایی از صهیونیسم و آمریکا و عربستان سعودی دریافت می‌کنند و مأموریت دارند تا در قبال آن میان شیعه و سنی ایجاد کنند و آتش اختلاف را میان مسلمانان روشن کنند.

مردم ما کاملاً آگاه هستند و این مسائل را درک می‌کنند، مخصوصاً عزیزان اهل سنت ما خیلی نسبت به این مسائل آگاه هستند.

شبکه‌های وهابی علیه شیعه تبلیغات زیادی انجام دادند و مطالبی از کتب و علمای شیعه پخش کردند، اما مشاهده کردند که اهل سنت برای حرف آن‌ها ارزشی قائل نشدند.

آن‌ها صریحاً اظهار داشتند که هدف ما براندازی حکومت اسلامی و ایجاد ناامنی میان امت اسلامی است. همچنین مردم را تحریک کردند که به خیابان‌ها بریزید و در خیابان‌ها شعار بنویسید.

ما نمی‌دانیم سفارش آقایان به شعار نوشتن در توالی چه مناسبتی دارد، اما مهم این است که مردم حرف آنان را گوش نکردند و به همین دلیل این افراد شدیداً عصبانی هستند. «شهیید بهشتی» در این زمینه تعبیری داشتند و می‌گفتند:

"ما می‌دانیم عصبانی هستید، اما بیشتر عصبانی شوید و از عصبانیت بمیرید!"

واضح و روشن است وهابیت به جهت اینکه اهل سنت برای حرف آنان ارزشی قائل نشدند، عصبانی هستند. ما بارها گفتیم اگر وهابیت بخواهند بحث علمی کنند ما حاضریم. اگر یک یا دو نفر مطلبی تندی دارد، در برابر آن ده نفر دیگر مطلب معتدلی دارد.

مراجع عظام تقلید از جمله آیت الله العظمی سیستانی، آیت الله العظمی وحید خراسانی و دیگر مراجع ما مطالب بسیار مهمی در رابطه با وحدت میان شیعه و سنی دارد.

بنده قرار نبود در این زمینه جواب بدهم به جهت اینکه مجریان ما در این زمینه به طور مفصل پاسخ خواهند داد. دانشمند جهان معاصر ماهیت کارشناسان شبکه‌های وهابی را مشخص کرده است و می‌گوید: آفتاب آمد دلیل آفتاب!!

علاوه بر این، این افراد فحاشی‌ها و اهانت‌های شدیدی دارند. اگر ما بخواهیم در مورد این افراد آیه ۵ سوره جمعه را بخوانیم، آنجا که می‌فرماید:

(مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)

وصف حال آنان که تحمل (علم) تورات کرده و خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) آری قومی که مثل حالشان این است که آیات

خدا را تکذیب کردند بسیار مردم بدی هستند و خدا هرگز (براه سعادت) ستمکاران را رهبری نخواهد کرد.

سوره جمعه (۶۲): آیه ۵

یقین داریم که به الاغ توهین شده است، زیرا الاغ هزار شرافت نسبت به این افراد دارد. همچنین اگر آیه ۱۷۶ سوره مبارکه اعراف را بخوانیم که در رابطه با «بلعم باعورا» است و می‌فرماید:

(فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ)

حکایت وی حکایت سگ است که اگر بر او هجوم بری پارس می‌کند و اگر او را واگذاری پارس می‌کند.

سوره اعراف (۷): آیه ۱۷۶

بازهم به سگ توهین شده است و در آن هیچ شکی نیست. به نظر من بهترین آیه‌ای که در رابطه با این افراد باید بخوانیم، آیه ۴۴ سوره مبارکه فرقان است که می‌فرماید:

(إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ)

آن‌ها جز به مانند حیوانات نیستند بلکه روش آنان گمراهانه‌تر است.

سوره فرقان (۲۵): آیه ۴۴

زیرا (بَلْ هُمْ أَضَلُّ) مصداق بارز این آقایان است. آن‌ها ادعا می‌کنند و می‌گویند: "ما هفتاد روز است به مراجع نامه نوشتیم و آن‌ها جواب ما را نمی‌دهند!" اصلاً مراجع شما را آدم حساب نمی‌کنند که به نامه‌های شما جواب بدهند.

اگر راست می‌گویید، مفتی اعظمتان نامه بنویسد. مشاهده کنید زمانی که «دکتر طیب» نامه نوشت، مراجع ما به ویژه آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) بلافاصله جواب دادند. همچنین زمانی که «پاپ بزرگ» نامه نوشت، ایشان بلافاصله جواب دادند.

کسی برای این افراد ارزشی قائل نیست و شما را آدم حساب نمی‌کنند. آیاتی که از سوره مبارکه اعراف و جمعه برای این افراد تلاوت کردیم، در شأن این افراد نیست و همان آیه ۴۴ سوره مبارکه فرقان مصداق بارز این افراد است.

ما نسبت به نامه نگاری این افراد گفتیم: "جواب ابلهان خاموشی است!"، اما در یکی از شبکه‌ها دیدم که آقای «سجودی» مرتباً می‌گوید: "این‌ها ما را ول نمی‌کنند. اگر آقای قزوینی جواب بدهد، بنده متعهد می‌شوم که جواب ایشان را پخش کنم."

ما و این افراد اختلافات زیادی باهم داریم و این افراد توهین‌های زیادی به شیعه و اهل سنت دارد. او حتی به جناب «مولوی عبدالحمید» هم توهین می‌کند، اما در مقایسه با دیگر کارشناسان وهابی مقداری معتدل است.

من به احترام ایشان جواب نامه‌شان را می‌دهم، حال خواهیم دید که ایشان مردانگی دارد تا جواب ما را پخش کند یا نه!!

ما بارها گفتیم که آقای «کالکرابی» به تمام زنان شیعه توهین کرده است. ما به این شخص می‌گوییم: خودت گفتی که من قبلاً شیعه بوده‌ام. آیا قبل از اینکه وهابی شوی، آیا خدای نکرده ناموس شما به همین صورت بوده است؟!؟

در حال حاضر پدر و مادر و خواهر و برادر شما شیعه هستند. آیا واقعاً حرف ایشان را تأیید می‌کنند یا تکذیب می‌کنند؟!؟

ما کلیپ صحبت‌های این شخص را بارها پخش کردیم، اما چنین و چنانی از این فرد مشاهده نکردیم. بعد از اینکه اختلافشان بالا گرفت، ایشان از این شبکه خداحافظی کرد.

سؤالی که ایشان پرسیده مربوط به قسمت‌هایی از کتاب «صحيح بخارى» است که اصلاً ارزش جواب دادن ندارد، اما بنده به حول قوه الهی جواب می‌دهم. سؤال دیگرش مبنی بر اینکه «ابن تیمیه» تمامی اهل سنت را کافر و مرتد می‌داند را هم جواب خواهم داد.

به سؤال آقایانی که ادعا می‌کنند میان ائمه اهل بیت (علیهم السلام) و امام وهابیت «محمد بن عبدالوهاب» مقایسه کنیم، جواب خواهم داد و هیچ ابایی در جواب دادن نداریم.

ما این جواب‌ها را به این افراد نمی‌دهیم، زیرا این افراد اصلاً ارزش جواب دادن ندارند و همان آیه ۴۴ سوره مبارکه فرقان برای این افراد بهترین و شایسته‌ترین جواب است.

اولاً مقایسه کردن ائمه طاهرين (علیهم السلام) با افرادی مانند «محمد بن عبدالوهاب» به تعبیر خودتان مقایسه نور و ظلمت و همچنین مقایسه طهارت با نجاست است.

این افراد اصلاً قابل مقایسه با ائمه طاهرين (علیهم السلام) نیستند، اما به جهت اینکه روشن شود و مقایسه‌ای انجام شود بنده قدری نظر بزرگان اهل سنت را نسبت به ائمه طاهرين (علیهم السلام) و قدری هم نظر بزرگان اهل سنت را نسبت به این شخص می‌آورم.

بعد از بیان این روایات قضاوت با بینندگان عزیز!! ما بارها گفتیم که آقای «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ۱۳ صفحه ۱۲۰ نسبت به ائمه طاهرين (علیهم السلام) می‌نویسد:

«وابناه الحسن والحسين فسبوا رسول الله وسيدا شباب اهل الجنة لو استخلفا لكانا اهلا لذلك»

حسن و حسين نوه پيغمبر اکرم و سروران جوانان اهل بهشت هستند و اگر آنها خليفه مسلمين
می شدند شايسته ترين فرد بودند.

در مورد امام سجاد (عليه السلام) می نویسد:

«وزين العابدين كبير القدر من سادة العلماء العاملين يصلح للامامة»

همچنين در مورد امام باقر (عليه السلام) می نویسد:

«وكذلك ابنه أبو جعفر الباقر سيد امام فقيه يصلح للخلافة»

سپس در مورد امام صادق (عليه السلام) می نویسد:

«وكذا ولده جعفر الصادق كبير الشان من ائمة العلم كان اولی بالامر من أبي جعفر المنصور»

امام صادق بلند مرتبه و دارای مقام والاست، او از ائمه علم هست و شايسته تر از منصور دوانيقی به امر
امامت بود.

همچنين در مورد امام کاظم (عليه السلام) می نویسد:

«وكان ولده موسى كبير القدر جيد العلم اولی بالخلافة من هارون وله نظراء»

او امام رضا (عليه السلام) را چنين معرفی می کند:

«وابنه علی بن موسى الرضا كبير الشان له علم وبيان»

او همچنين حضرت جواد الاثمه (عليه السلام) را اين طور معرفی می کند:

«وابنه محمد الجواد من سادة قومه»

در مورد امام هادی (علیه السلام) می نویسد:

«و كذلك ولده الملقب بالهادی شریف جلیل»

سپس امام حسن عسکری (علیه السلام) را اینگونه معرفی می کند:

«و كذلك ابنه الحسن بن علی العسکری رحمهم الله تعالی»

او زمانی که به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می رسد، می گوید:

«فاما محمد بن الحسن هذا فنقل أبو محمد بن حزمان الحسن مات عن غیر عقب قال وثبت جمهور

الرافضة علیان للحسن ابنا اخفاه»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج ۱۳، ص ۱۲۰، ح ۵۹

مشاهده کنید که این روایت نظر ذهبی در رابطه با ائمه طاهرین (علیهم السلام) است. در کتاب «تحفه اثنی

عشریه» آقای «آلوسی» در مورد «ابوحنیفه» امام اعظم اهل سنت می نویسد:

«وهذا أبو حنیفة - رضی الله تعالی عنه - وهو هو بین أهل السنة كان یفتخر ویقول بأفصح لسان: لولا

السنتان لهلك النعمان، یرید السنتین اللتین صحب فیهما لأخذ العلم الإمام جعفر الصادق - رضی الله

تعالی عنه -»

ابوحنیفه شخصی است که جایگاه بزرگی میان اهل سنت دارد. او افتخار می کند و با فصیح ترین زبان

می گوید: اگر دو سال در مکتب امام صادق (علیه السلام) شاگردی نمی کردم بیچاره می شدم.

مختصر التحفة الاثنى عشرية، علامة الهاند شاه عبد العزيز غلام حكيم الدهلوی، الناشر: المطبعة السلفية،

القاهرة، عام النشر: ۱۳۷۳ هـ، ج ۱، ص ۸، باب الشيعة السببية

ملاحظه کنید این اوصاف مربوط به ائمه شیعیان است. حال ملاحظه کنید علمای اهل سنت نسبت به «محمد بن عبدالوهاب» چه نظری دارند. دوستان عزیز شما را به هر خدایی که می‌پرستید و هر پیغمبری که او را دوست دارید، به این مطالب دقت کنید.

در کتاب «دعای المناوئین لدعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب» اثر «عبد العزيز بن محمد بن علي العبد اللطيف» در رابطه با «محمد بن عبدالوهاب» از «امام محمد بن فیروز» مطالبی بیان کرده است.

دقت کنید که اهل سنت در مورد هرکسی لفظ امام را به کار نمی‌برند. «ذهبی» می‌گوید: اگر به کسی امام بگویند، طعن طاعنین دیگر در مورد او اثری ندارد. «عبداللطیف» در مورد «ابن فیروز» می‌گوید:

«ولكن تعرف ابن فيروز أنه أقربهم إلى الإسلام، وهو رجل من الحنابلة وينتحل كلام الشيخ (ابن تيمية) وابن القيم خاصة...»

ابن فیروز نزدیک‌ترین افراد به اسلام بود، او مردی از حنابله بود که پایبند سخنان ابن تیمیه و ابن قیم بود.

دعای المناوئین لدعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، عرض و نقض، المؤلف: عبد العزيز بن محمد بن علي العبد اللطيف، مصدر الكتاب: موقع الدرر السنية؛ ج ۱، ص ۳۹، باب دراسة استقرائية مجملة لمؤلفات المناوئین

همین شخص با این توصیفات زمانی که به «محمد بن عبدالوهاب» می‌رسد، می‌گوید:

«.. بل لعل الشيخ - یعنی عبد الوهاب - غفل عن واقعة أمه - یعنی محمد بن عبد الوهاب - فسبقة

الشیطان إليها فكان أبا لهذا المارد ... الخ إنا لله وإنا إليه راجعون»

عبدالوهاب پدر محمد از اینکه با مادر محمد همبستر شود مقداری غافل ماند و به جای عبدالوهاب

شیطان با مادر محمد همبستر شد و شیطان پدر این آدم پست و متمرّد بوده است. انا لله و انا الیه

راجعون!

دعای المناوئین لدعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، عرض و نقض، المؤلف: عبد العزيز بن محمد بن

على العبد اللطيف، مصدر الكتاب: موقع الدرر السنيّة؛ ج 1، ص 41، باب دراسة استقرائية مجملّة

لمؤلفات المناوئین

مشاهده کنید «ابن فیروز» که از اتباع «ابن تیمیه» بوده است، این حرف را می‌زند. اگر این شخص «شافعی»،

«مالکی» یا «حنفی» بود؛ می‌گفتیم میان آنها اختلاف مذهبی وجود دارد. این شخص از اتباع «ابن تیمیه»

است که به صراحت می‌گوید: "محمد بن عبدالوهاب» فرزند شیطان است!!"

وهابیت تلاش دارند این فرد با این توصیفات را با ائمه طاهرین (علیهم السلام) مقایسه کند که «ذهبی» در

مورد تک تک آن بزرگواران کلمات والا مطرح می‌کند!! من نمی‌دانم این افراد چرا تلاش دارند این مقایسه باطل

را انجام بدهند!!

همچنین در کتاب «الدرر السنية في الرد على الوهابية» اثر آقای «زینی دحلان» وارد شده است: بسیاری از

علمای مدینه از جمله «محمد بن سلیمان کردی شافعی» و «شیخ محمد حیاة الحنفی» از اساتید «محمد بن

عبدالوهاب» بودند.

«یفترسون فيه الإلحاد و الضلال»

آن‌ها در محمد بن عبدالوهاب بی‌دینی و گمراهی مشاهده می‌کردند.

والله آقای «زینی دحلان» شیعه نیست!! او مفتی مکه مکرمه بوده است، در مهد وهابیت پرورش یافته است و نزدیک ۱۳۰ سال قبل هم از دنیا رفته است.

«و كان والده عبدالوهاب من العلماء الصالحين فكان أيضا يفترس في ولده المذكور الإلحاد و يذمه كثيرا و يحذر الناس»

پدر او عبدالوهاب از علمای صالحین بود ولی فرزندش را آدم ملحد می‌دانست و او را مذمت می‌کرد و به مردم می‌گفت از او برحذر باشید.

الدرر السنية في الرد علي الوهابية؛ زيني دحلان، أحمد بن السيد، دار غار حراء، الدمشق، الطبعة الأولى، ۱۴۲۴ هـ. ق؛ ص ۱۱۲

برادر او «سلیمان بن عبدالوهاب» در مورد او گفته است: او گمراهی‌ها و بدعت‌ها و عقیده‌های فاسدی که داشت را انکار می‌کرد.

شما می‌خواهید چنین شخصی را با بزرگانی همچون امام صادق (علیه السلام) که «ابوحنیفه» به شاگردی ایشان افتخار می‌کند، مقایسه کنید؟! یا می‌خواهید با امام باقر (علیه السلام) یا امام کاظم (علیه السلام) مقایسه کنید؟!

شما از این مقایسه خجالت نمی‌کشید؟! احساس نمی‌کنید روزی این مدارک روی آنتن خواهد آمد و شما مفتضح و رسوا خواهید شد؟!

من از جناب آقای «سجودی» تقاضا دارم اگر واقعاً مردانگی دارد و سر حرفش است، این بحث من را منتشر کند؛ البته من گمان نمی‌کنم این بحث را منتشر کند. من از او تقاضا دارم این بحث را منتشر کند و نسبت به آن پاسخ بدهد.

اگر این شخص این مطالب را منتشر کند و به آن جواب علمی بدهد؛ ما قول می‌دهیم که اگر جواب علمی ایشان قانع کننده بود، اعلام کنیم که قانع شدیم و اگر جواب علمی ایشان قانع کننده نبود، ما مجدداً جواب می‌دهیم.

بحث علمی که دعوا و فحش و لاطائلات گفتن ندارد!! آدم نمی‌داند افرادی که شبانه روز کارشان فحاشی و اهانت است و این مباحث را مطرح می‌کنند، از این فحاشی‌ها چه سودی می‌برند؟!

تمام دنیا می‌دانند فحش کار کسی است که حرفی برای زدن ندارد! اگر کسی حرفی برای گفتن داشته باشد، به هیچ وجهی فحش نمی‌دهد.

بنده تنها روایتی از ائمه طاهرین (علیهم السلام) در رابطه با کسانی که فحاشی می‌کنند، برای شما بخوانم. فرقی نمی‌کند فحاشی مربوط به شبکه‌های شیعه باشد که شبانه روز فحاشی می‌کنند، یا شبکه‌های وهابی؛ برای ما هیچ فرقی نمی‌کند!

هرکدام از این شبکه‌ها فحاشی کنند، از دیدگاه ما انسان‌های فاسدی هستند. مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۳۲۳ نقل می‌کند که پیغمبر فرمود:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ لَا يَبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ»

اگر دیدید کسی کارش فحش دادن و فحش خوردن است

حال مشاهده کنید که این شخص چقدر با فحش سروکار دارد؛ هم او فحش می‌دهد و هم مردم زنگ می‌زنند به او فحش می‌دهند.

همچنین به شخصی که از لس آنجلس روی آنتن می‌آید دقت کنید که چقدر مردم به او فحش دادند تا رفت دستگاہ دلی خرید تا بتواند فحش‌های مردم را کنترل کند و نگذارد روی آنتن برود.

«فَائِهِ لِعِيَةِ أَوْ شِرْكِ شَيْطَانٍ»

بدانید که این شخص یا زنازاده است و یا نطفه شیطان است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۳۲۳، ج ۲

«محمد بن عبدالوهاب» مصداق بارز این روایتی است که امام صادق (علیه السلام) از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) توصیف کرده است. این روایت و روایت بعدی آن صددرصد صحیح است؛ مخصوصاً روایت دوم که شکی در صحت آن نیست.

همچنین در کتاب «صحیح بخاری» حدیث ۱۲۹۲ در رابطه با اینکه «عَی» چه هست، وارد شده است:

«يَصِلِي عَلَى كُلِّ مَوْلُودٍ مُتَوَفَّى وَإِنْ كَانَ لِعِيَةٍ»

برای هر بچه‌ای نماز می‌خواند، ولو اینکه این بچه زنازاده باشد.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۱، ص

۴۵۶، ج ۱۲۹۲

شارحین از جمله «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» هم در شرح این قضیه می‌گوید:

«أَيُّ مِنْ زَنًا وَمُرَادُهُ أَنَّهُ يَصَلِّي عَلَى وَلَدِ الزَّانَا»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،
الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹، تحقیق: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، ج
۳، ص ۲۲۱، شماره ۱۳۵۶

همچنین در کتاب «عمدة القاری» اثر «بدرالدین عینی» جلد ۸ صفحه ۱۷۷ همین تعبیر وارد شده است. این
آقایی که این قدر فحاشی می‌کند، بهتر است یک آزمایش «دی ان ای» بدهد تا تکلیفش مشخص شود.
همچنین مشاهده کنید در کتاب شیعیان و اهل سنت روایات زیادی وارد شده است و مؤمنان را از فحاشی و
دشنام دادن منع کرده است؛ حال ما نمی‌دانیم فحاشی این آقایان به چه دلیل است و چرا این‌طور می‌کنند!!

دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد توسل

بنابراین این مطلب نکته‌ای بود که خواستیم به این افراد بیان کنیم، اما در مورد دیدگاه امام صادق (علیه
السلام) در مورد توسل به کتاب «فروع کافی» مراجعه کنید که در جلد پنجم این کتاب روایت مفصلی وارد شده
است که سند آن هم صددرصد صحیح است.

امام صادق (علیه السلام) در این روایت فرمودند:

«شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ»

شعار ما ائمه یا محمد یا محمد است.

این فرمایش امام صادق (علیه السلام) در حالی است که «محمد بن عبدالوهاب» معتقد است که هرکسی «یا
علی» بگوید، کافر و مرتد است!!

«و شِعَارُ الْحُسَيْنِ يَا مُحَمَّدُ وَ شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ»

شعار امام حسین هم یا محمدا بوده است و شعار ما هم یا محمد است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵،

ص ۴۷، ح ۱

حال این افراد می‌گویند که دعای غیر الله شرک است. همچنین در کتاب «اصول کافی» جلد دوم وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ - بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَي صَلَاتِي»

خدایا من به طرف تو می‌آیم و محمد و آل محمد را واسطه قرار می‌دهم و این‌ها را در پیشاپیش خودم قرار می‌دهم.

«وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ»

و به برکت آن‌ها به تو تقرب می‌جویم.

أصول الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، مترجم: مصطفوی، سید جواد، ج ۴، ص ۳۲۲، ح ۱

ما در رابطه با «علی بن ابراهیم» به طور مفصل عرض کردیم که این شخص ثقة است. همچنین در مورد «ابراهیم بن هاشم» هم به طور مفصل مطالبی را بیان کردیم.

فقهای ما در طول تاریخ به روایات «ابراهیم بن هاشم» عمل کردند و «سید بن طاووس» سندی را نقل می‌کند که در حدیث «ابراهیم بن هاشم» است که می‌گوید تمام این افراد ثقة هستند.

همچنین «علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه)» روایتی را در کتاب «روضة المتقین می‌آورد و می‌گوید:

«(و علی) ثقة (و أبوه) ممدوح كالثقة باعتماد القميين، بل غیرهم علی حدیثه»

او در ادامه می‌گوید:

«بل لم نجد أحدا يرد حديثه»

ندیدیم کسی از علمای شیعه حدیث ابراهیم بن هاشم را رد کرده باشد.

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق /

مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاوردی علی پناه، ج ۶، ص ۴۵

همچنین «احمد بن ابی نصر بزنی» از علمای بزرگ شیعه و از روایات جلیل القدر ماست و جزو اصحاب اجماع

و مشایخ الثقات است. «شیخ طوسی» در مورد او می‌گوید:

«کوفی، ثقة، لقی الرضا علیه السلام، و کان عظیم المنزلة عنده، و روی عنه کتابا»

فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، نویسنده: طوسی، محمد بن

الحسن، محقق / مصحح: طباطبائی، عبدالعزیز، النص، ص ۵۰، باب أحمد

همچنین مرحوم «کشی» ایشان را جزو اصحاب اجماع آورده است. راوی بعدی «معاویة بن عمار» است که

مشاهده کنید مرحوم «نجاشی» در مورد او می‌گوید:

«و کان وجهها فی أصحابنا و مقدا»

او از آبروداران و شخصیت‌های برجسته در میان شیعه بوده است.

«کبیر الشأن عظیم المحل ثقة»

رجال النجاشی، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۴۱۱، ح ۱۰۹۶

روایت زمانی که به این صورت مطرح شود، گمان نمی‌کنم دیگر نیازی به ترجمه باشد. همچنین در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۵۴۴ روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است.

همچنین از امام باقر (علیه السلام) روایتی بیان شده است که حضرت می‌فرماید:

«يا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۵۵۲، ج ۶

همچنین آقایان وهابی مفصل مطرح می‌کنند: "امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» بیان کرده است:

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۶۳، خ ۱۱۰

درحالی‌که می‌گویند توسل شرک و کفر است!!" تنها به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) افترا نبسته بودید

که به ایشان هم بستید! ما بارها گفتیم که توسل سه قسم دارد؛

قسم اول توسل به اسماء الهی است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۵۸۲، ج ۱۷

و دعا‌های دیگری از جمله دعای افتتاح، دعای جوشن کبیر، دعای صحیفه سجادیه و دیگر دعاها اسماء الهی

است و توسل به آنها مشروع است.

قسم دوم توسل به عمل صالح مشروع است.

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا

مَعَ الْأَبْرَارِ

پروردگارا ما چون صدای منادی ای را که خلق را به ایمان می خواند شنیدیم اجابت کردیم و ایمان آوردیم، پروردگارا از گناهان ما درگذر و زشتی کردار ما را بپوشان و هنگام جان سپردن، ما را با نیکان محشور گردان.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۳

همچنین در روایات بسیاری از ائمه طاهرين (عليهم السلام) وارد شده است که یکی از بهترین وسیله تقرب به خدا اعتراف بنده به تقصیر و گنهگار بودن است.

قسم سوم توسل به انبیاء، اولیاء و صالحین است. فرزندان حضرت یعقوب پیغمبر است و تربیت شده در مکتب پیغمبر خدا هستند که به پدر خود عرضه می دارند:

(يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا)

ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

همچنین در سوره مبارکه نساء وارد شده است:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر نامبردگان بعد از آن خلاف‌کاری‌ها- یعنی تحاکم نزد طاغوت و اعراض از رسول و سوگند دروغ- از در توبه نزد تو آمده بودند، و از خدا طلب آمرزش کرده بودند، و رسول برایشان طلب مغفرت کرده بود می‌دیدند که خدا توبه پذیر و مهربان است.

سوره نساء (۴): آیه ۶۴

همچنین در سوره مبارکه مائده وارد شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

هان ای کسانی که در زمره مؤمنین در آمده‌اید، از خدا پروا داشته باشید، و در جستجوی وسیله‌ای برای نزدیک شدن به ساحتش- که همان عبودیت و به دنبالش علم و عمل است برآئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار گردید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

خداوند متعال در این آیه شریفه نفرموده است که وسیله تنها منحصر به عمل صالح است، بلکه اگر کسی عمل صالح داشته باشد قطعاً توسل به عمل صالح شاید افضل از توسل به انبیاء و اولیاء باشد. شخص با این عمل صالح خود را به خداوند متعال نزدیک کرده است.

کسی که عمل صالحی در خود نمی‌بیند و خود را گنهکار می‌بیند و می‌خواهد به دنبال کسی برود که نزد خداوند متعال آبرودار است، می‌گوید:

«يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۹،

ص ۲۴۷، ح ۸

در نتیجه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ»

با فضیلت‌ترین توسل، عمل صالح است.

آیا معنای این فرمایش حضرت این است که به دلیل اینکه این عمل با فضیلت‌تر است، اعمال دیگر کفر است؟!

همچنین در کتاب «موطأ» اثر «مالک» وارد شده است:

«أفضل الصلاة صلاتكم في بيوتكم»

با فضیلت‌ترین نماز، نماز در خانه است.

الموطأ، نویسنده: الإمام مالک، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، سال چاپ: ۱۴۰۶ - ۱۹۸۵ م، ناشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۴

آیا معنای این حرف این است که اگر شما در بیرون از خانه نماز بخوانید، نماز شما باطل است؟! یا از پیغمبر

سؤال می‌کنند که:

«أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَكْتُوبَةِ قَالَ الصَّلَاةُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۸۰۱۳

آیا معنای این روایت این است که اگر کسی در طول روز نماز بخواند، نماز او باطل است؟! همچنین در روایت

دیگری وارد شده است:

«صلاة العصر هي الوسطى لانه افضل الصلوات»

آیا نستجیر بالله معنای این روایت این است که نماز صبح و ظهر و مغرب و عشاء باطل و کفر است؟! این چه حرف‌هایی است که شما می‌زنید؟!

شما که مصداق تعبیر «ذهبی» هستید، چنانکه در نامه‌ای به «ابن تیمیه» می‌نویسد: اتباع تو قلیل العقل هستند؛ ولی لااقل برای بینندگان خودتان یک احترامی قائل شوید!!

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) زمانی که آیه شریفه:

(اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

از خدا پروا داشته باشید، و در جستجوی وسیله‌ای برای نزدیک شدن به ساحتش.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

می‌خوانند، می‌فرمایند:

«وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ أَنَا وَ وُلْدِي ذُرِّيَّتُهُ»

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۳، ص ۷۵،

فصل فی أنه السبیل و الصراط المستقیم و الوسيلة

همچنین حضر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کنند و می‌فرمایند:

«الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۲، ص ۵۸، ح ۲۱۷

این‌ها فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. همچنین از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که حضرت فرمودند:

«اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنْتَ عَظُمْتَ حَقًّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتُ»

مردم همان‌طور که دستور داده شده به ما توسل بجوئید.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۲، ص ۱۶۸، ح ۱

همچنین امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ فَقَالَ: تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْإِمَامِ»

تفسیر نور الثقلین، نویسنده: العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، محقق / مصحح: رسولی محلاتی،

سید هاشم، ج ۱، ص ۶۲۷، ح ۱۷۹

همچنین به «صحیفه سجادیه» مراجعه کنید که از ابتدا تا انتهای آن سرشار از توسلات است. در کتاب «صحیفه سجادیه» با تألیف مرحوم «ابطحی» وارد شده است:

«رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ حَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفْظَةَ دِينِكَ، وَ

خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً يَارَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ

الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ»

الصحيفة السجادية، ص ۲۱۶، باب ۴۷

همچنین در کتاب «اقبال الأعمال» وارد شده است:

«فَاتَى بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ أُوصِيَايَهُمَا إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ»

خدایا من به محمد و علی و اوصیاء آنها متوسل می‌شوم.

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۲، ص ۷۱۶، فصل فیما نذکره من بیان صفات

صلاة الليل فی ليلة النصف من شعبان

این موارد یکی دوتا نیست؛ بلکه حداقل دویست مورد روایت از ائمه طاهرین (علیهم السلام) در رابطه با قضیه توسل بیان شده است که اینها کاملاً واضح و روشن است.

بنابراین عزیزان ما مقداری دقت کنند که این نسبت‌هایی که به ائمه طاهرین (علیهم السلام) می‌دهند، نسبت‌های نادرست و ناروا است.

مجری:

استاد ممنونم. می‌خواهیم ببینیم آن تعبیری که شما از وجود نازنین امام صادق (علیه السلام) آوردید که فرموده بودند «شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ» حتی از امام حسین (علیه السلام) هم این روایت را فرمودید، در منابع اهل سنت به چه صورتی است.

توسل و استغاثه از دیدگاه اهل سنت

توسل و استغاثه از زبان امام صادق (علیه السلام) که در واقع همان توسل است، از دیدگاه اهل سنت به چه صورتی است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بینید دوستان روشی که ائمه طاهرين (عليهم السلام) داشتند به این صورتی بود که بیان کردیم. حال

در رابطه با «عبدالله بن عمر» در کتاب «طبقات الكبرى» اثر «ابن سعد» روایتی وارد شده است که می‌گوید:

پسر عمر عضلات پایش منقبض شده بود و نمی‌توانست حرکت کند. به او گفتند محبوب‌ترین انسان‌ها تو سل

کن، سپس گفت:

«یا محمد فسطها»

گفت: یا محمد و عضلاتش باز شد.

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر

– بيروت، ج ۴، ص ۱۵۴، باب و من بنى عدى بن كعب

آیا شما نسبت به این روایت هم ادعا می‌کنید که شرک گفته است؟! همان‌طور که امام صادق (علیه السلام)

فرمودند، «شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ» و شعار امام حسین (علیه السلام) هم یا محمد بوده است. جالب

اینجاست که «ابن تیمیه» همین عبارت را نقل می‌کند و می‌گوید:

«كنا عند عبد الله بن عمر رضى الله عنهما فخذرت رجله فقال له رجل: اذكر أحب الناس إليك فقال: يا

محمد فكأنما نشط من عقال»

الكلم الطيب، المؤلف: شيخ الإسلام ابن تيمية، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: المكتب

الإسلامي – بيروت، الطبعة: الثالثة – ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۲۳۶

«ابن تیمیه» در این روایت می‌گوید: گویا این شخص را در زنجیر بسته بودند و همین که «یا محمد» گفت،

پاهایش باز شد.

همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» جلد ۹ با تحقیق «دکتر ترکی» روایتی وارد شده است که می‌گوید: در جنگ یمامه که همان جنگ رده است و یک سال بعد از رحلت پیغمبر اکرم بود، لشکری به فرماندهی «خالد بن ولید» حمله کردند؛

«ثم نادى بشعار المسلمين وكان شعارهم يومئذ يا محمداه»

به شعار مسلمانان ندا کردند و شعار مسلمانان در آنجا یا محمداه بود.

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بیروت، ج ۶، ص ۳۲۴، فصل فی خبر مالک بن نويرة اليربوعی التیمی

طبق این روایت باید بگوییم تمام آن صحابه‌ای که در آن جنگ بودند همگی به واسطه توسل به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) مشرک شدند و به تعبیر آقای «محمد بن عبدالوهاب» واجب القتل شدند!!

همچنین در کتاب «مصنف» اثر «ابن ابی شیبیه» که استاد «بخاری» است، وارد شده است که در زمان عمر بن خطاب نزد قبر پیغمبر اکرم آمد و گفت:

«يا رسول الله استسق لأمتك»

الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار

النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ج ۶، ص ۳۵۶، ح

۳۲۰۰۲

این روایت از هر جهت صحیح است، در حالی که آقایان وهابی معتقدند که استغاثه و توسل شرک و کفر است.

«ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد ۷ صفحه ۲۰۵ روایتی بیان کرده است:

«يارسول الله استسق الله لامتك»

نویسنده در مورد سند روایت می نویسد:

«وهذا اسناد صحیح»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج ٧، ص ٩٢، باب ذكر فتح تستر ثانية واسر الهرمزان وبعثه إلى عمر

همچنین در کتاب «فتح الباری» روایتی وارد شده است که می گوید:

«روی بن أبی شیبة بإسنادٍ صحیحٍ من رواية أبي صالح السمان عن مالك الداری»

«مالک الداری» خزانه دار و وزیر امور اقتصادی عمر بن خطاب بوده است. این شخص با سند صحیح نقل کرده است و گفته است:

«يا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَشِقِ لِأُمَّتِكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ هَلَكُوا»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٢، ص ٤٩٥،

قَوْلُهُ بَابُ سُؤَالِ النَّاسِ الْإِمَامَ الْإِسْتِشْقَاءَ إِذَا قَحَطُوا

بنابراین این شخص که معتقد است واسطه قرار دادن بین خود و خدا شرک است، باید دستور قتل تمامی این افراد را صادر کند و گردنشان بزنند و بدنشان را زنده زنده به آتش بسوزانند. ما روایات فراوانی با این مضمون داریم و یک مورد یا دو مورد نیست.

بعد از رحلت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) «سهل بن حنیف» از «عثمان بن حنیف» نقل می کند و می گوید: شخصی مشکلی داشت و نزد عثمان می رفت و عثمان به او توجهی نمی کرد. این شخص نزد «عثمان

بن حنیف» آمد و گفت: چکار کنم!؟

«عثمان بن حنیف» به او گفت: برو وضو بگیر و به مسجد برو و بگو:

«یا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَّجُّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ»

این استغاثه همانند استغاثه ما شیعیان است که می‌گوییم:

«یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»

استغاثه بالاتر از دعاها و توسل است. معروف است که می‌گویند: هر توسلی استغاثه نیست، ولی هر استغاثه‌ای

توسل است. هر دعایی استغاثه نیست، ولی هر استغاثه‌ای دعا است!!

مجری:

زمانی که کلمه «یا» به کار می‌رود و خطاب می‌شود، استغاثه است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. آقای طبرانی در ادامه نسبت به سند این حدیث می‌گوید:

«وَالْحَدِيثُ صَحِيحٌ»

الروض الدانی (المعجم الصغير)، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبرانی، دار

النشر: المكتب الإسلامي، دار عمار - بيروت، عمان - ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد شكور

محمود الحاج أمير، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۵۰۸

همچنین مشاهده کنید در کتاب «مكة المشرفة و المسجد الحرام» وارد شده است که شخصی نزد قبر رسول

گرامی اسلام آمده است و می‌گوید:

«یا رسول الله الشفاعة الشفاعة»

تاریخ مکه المشرفة والمسجد الحرام، المؤلف: ابن الضياء، مصدر الكتاب: موقع الوراق، ج ۱، ص ۱۷۶،

باب كيفية السلام عليه صلى الله عليه وسلم حال الزيارة

جالب این است که این آقایان حتی «ابن تیمیه» تعبیری در کتاب «الکلم الطیب» دارد که این روایت قطعی است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: هرگاه در بیابان مانند، ماشینتان گم شد، راه را گم کردید و در جنگل مانند؛

«فلیناد: یا عباد الله احبسوا [علی] یا عباد الله احبسوا»

صدا بزنید: ای بندگان خدا به داد من برسید، ای بندگان خدا به داد من برسید.

الکلم الطیب، المؤلف: شیخ الإسلام ابن تیمیة، تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، الناشر: المكتب

الإسلامی - بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۱۴۶، ح ۱۷۸

این روایت مصداق بارز استغاثه است. آیا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نمی دانستند که همانجا باید خداوند متعال را صدا بزنند؟! چرا «یا عباد الله احبسوا» می گویند؟!

همچنین مشاهده کنید که «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «مختصر زوائد» می گوید:

«فإذا أصاب أحدكم عرجة بأرض فلاة فلیناد: یا عباد الله! اغیثوا»

چطور خداوند عالم نگفت که اگر در بیابان گم شدید، بگویید: «یا الله! اغثنی»؟! مگر خداوند متعال نمی فرماید:

(وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)

و ما از رگ گردن به او نزدیک تریم.

سوره ق (۵۰): آیه ۱۶

و یا فرمود:

(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)

مرا بخوانید تا استجابت کنم.

سوره غافر (۴۰): آیه ۶۰

اگر این طور باشد، آیا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور شرک داده‌اند؟! آقای «عسقلانی» در مورد سند این روایت می‌گوید:

«اسناد حسن»

سپس در پاورقی وارد شده است:

«رواه الطبرانی و رجاله ثقات»

مشاهده کنید که این موارد نشانگر نقل تعبیر یاد شده هستند. همچنین در کتاب «مسائل أحمد بن حنبل روایة ابنه عبد الله» وارد شده است که «عبدالله» می‌گوید:

«حججت خمس حجج منها ثنتین راکبا و ثلاثه ماشیا أو ثنتین ماشیا و ثلاثه راکبا فضلت الطريق فی

حجة و کنت ماشیا فجعلت اقول»

من با پدرم بودم و پدرم گفت که من پنج مرتبه به حج رفتم؛ دو مرتبه سواره و سه مرتبه پیاده رفتم.

یک مرتبه راه را گم کردم و هر کجا می‌رفتم، راه را پیدا نمی‌کردم. در این حال گفتم:

«یا عباد الله دلونا علی الطريق»

ای بندگان خدا به دادم برسید و راه را به من نشان بدهید.

«فلم ازل اقول ذلك حتى وقعت الطريق»

به قدری این جمله را تکرار کردم تا بندگان خدا به دادم رسیدند و راه را پیدا کردم.

مسائل أحمد بن حنبل رواية ابنه عبد الله، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن حنبل، دار النشر: المكتب

الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: زهير الشاويش، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۱۲

آقای «البانی» هم در کتاب خود همین تعبیر را می‌آورد و می‌گوید:

«وهذا اسناد حسن كما قالوا، فإن رجاله كلهم ثقات غير أسامة بن زيد وهو الليثي وهو من رجال مسلم»

سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة؛ المؤلف: محمد ناصر الدين بن الحاج نوح

الألباني؛ دار النشر: دار المعارف؛ البلد: الرياض - المملكة العربية السعودية؛ الطبعة: الأولى، سنة الطبع :

۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۲ م؛ ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۲۱۷

«ابن حجر» هم در مورد این روایت گفته است:

«صدوق يهم»

همان تعبیری که امام صادق (علیه السلام) دارند، اهل سنت هم همان تعبیر را دارند. در بحث توسل اهل سنت

با شیعه هیچ تفاوتی ندارند. همچنین آقای «سبکی» که «ذهبی» درباره او می‌گوید:

«الإمام العلامة الفقيه المحدث الحافظ فخر العلماء تقي الدين أبو الحسن الشبكي»

یکی از سلفیون این عبارت را معنا می‌کرد و می‌گفت: «الحافظ» به معنای این است که حافظ قرآن بوده است!!

سپس می‌گوید:

«وَكَانَ صَادِقًا مُتَّبِعًا خَيْرًا دِينًا مُتَوَاضِعًا حَسَنَ السَّمْتِ، مِنْ أَوْعِيَةِ الْعِلْمِ يَذْرَى الْفِئَةَ وَيَقْرُرُهُ»

المعجم المختص بالمحدثين، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايَماز
الذهبي (المتوفى: ٧٤٨ هـ)، تحقيق: د. محمد الحبيب الهيلة، الناشر: مكتبة الصديق، الطائف، الطبعة:
الأولى، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م، ج، ص ١٦٦، باب حرف العين

آقای سلفی که فریب و هابیت را خوردید، مشاهده کنید که همین آقای «سبکی» که او را «الإمامُ العَلَّامةُ» خطاب
می‌کند، در کتاب «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» می‌گوید:

«إعلم: أنه يجوز ويحسن التوسل، والاستغاثة، والتشفع بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم إلى ربه سبحانه
وتعالى»

بدان که توسل، استغاثه و طلب شفاعت کردن به سوی خداوند عالم خوب است.

«وجواز ذلك وحسنه من الأمور المعلومة لكل ذي دين»

هرکسی که دین دارد می‌داند که این کار خوب است.

«المعروفة من فعل الأنبياء والمرسلين، وسير السلف الصالحين، والعلماء والعوام من المسلمين»

معروف است که این سیره انبیاء و مرسلین، سلف صالحین، علماء و عوام مسلمین بوده است.

سپس می‌گوید:

«ولم ينكر أحد ذلك من أهل الأديان، ولا سمع به في زمن من الأزمان، حتى جاء ابن تيمية، فتكلم في

ذلك بكلام يلبس فيه على الضعفاء الأغمار، وابتدع ما لم يسبق إليه في سائر الأعصار»

ابن تیمیه بعضی از افرادی که عقل سالمی ندارند و ضعیف العقل و ضعیف العلم هستند را از راه به در
کرده است.

شفاء السقام فى زيارة خير الأنام عليه الصلاة والسلام، المؤلف: الإمام السبكى، تقى الدين على بن عبد الكافى الأنصارى، الخزرجى، المصرى، الشافعى (٦٨٣ هـ - ٧٥٦ هـ)، ج ٩، ص ٣، باب مشروعية الزيارة

همچنين جناب آقاى «سمهودى» همان كسى كه آقاى «ابن عماد» در كتاب «شذرات الذهب» در مورد او مى‌گويد:

«نزىل المدينة المنورة وعالمها ومفتيها ومدرستها ومؤرخها الشافعى الإمام القدوة الحجة المفنن»

شذرات الذهب فى أخبار من ذهب، اسم المؤلف: عبد الحى بن أحمد بن محمد العكرى الحنبلى، دار النشر: دار بن كثير - دمشق - ١٤٠٦ هـ، الطبعة: ط ١، تحقيق: عبد القادر الأرنؤوط، محمود الأرنؤوط، ج ٨، ص ٥٠، باب سنة إحدى عشرة وتسعمائة

آقاى «سمهودى» در كتاب «وفاء الوفاء» همين تعبير را دارد و مى‌گويد:

«اعلم أن الاستغاثة والتشفع بالنبي صلى الله عليه وسلم وبجاهه وبركته إلى ربه تعالى من فعل الأنبياء والمرسلين، وسير السلف الصالحين، واقع فى كل حال، قبل خلقه صلى الله عليه وسلم وبعد خلقه، فى حياته الدنيوية ومدة البرزخ وعصرات القيامة»

استغاثه و طلب شفاعت از پيغمبر اكرم و بجاه و برکت آن از فعل انبياء مرسلين و سيره سلف صالحين بوده است و در تمام احوال قبل و بعد از خلقت پيغمبر اكرم و در زمان حيات و وفات پيغمبر اكرم و همچنين در قيامت استغاثه و تشفع به پيغمبر اكرم درست است.

وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، المؤلف: على بن عبد الله بن أحمد الحسنى الشافعى، نور الدين أبو الحسن السمهودى (المتوفى: ٩١١ هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٩، ج ٤،

ص ١٩٣، الفصل الثالث فى توشل الزائر

مشاهده کنید که عقیده ائمه شیعیان و ائمه اهل سنت چقدر به هم نزدیک است!!

مجری:

خیلی متشکرم. بنابراین در اینجا ما باید به عقیده «محمد بن عبدالوهاب» هم پردازیم. ما نظر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) از جمله حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، امام صادق (علیه السلام) و سایر ائمه طاهرين را در خصوص استغاثه و توسل بیان کردیم.

همچنین در ادامه به بیان نظر علمای اهل سنت در این خصوص پرداختیم. حال باید تکلیف خود را با کسانی که نظرشان متفاوت از شیعه و اهل سنت است، روشن کنیم. این افراد وهابیت هستند که پیغمبرشان «محمد بن عبدالوهاب» است.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

تا استاد نفسی تازه کنند، چند مورد از پیامک‌های عزیزان بیننده را بخوانم و بعد از آن دومرتبه به ادامه بحث پردازیم.

از آقای شهاب الدین غلامی از پرنده ممنونیم؛ ایشان اشاره‌ای به موضوع بحث ما در مورد وهابیت داشتند و گفتند: این افراد شیطان و شیطان پرست هستند.

علی آقا از مشهد پیام فرستادند و از «شبکه جهانی ولایت» و تلاش‌های جناب استاد تشکر کردند.

عزیز دیگری از مشهد برای ما پیام فرستادند و گفتند: "در حرم کریمه اهل بیت برای ما دعا کنید؛ من از حرم امام مهربانی علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نایب الزیاره شما هستم." حتماً دعاگوی شما هستیم و از شما ممنونیم.

از آقای ناصری از قزوین هم ممنون و سپاسگذاریم که بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقای علی دلشادی از تبریز هم بزرگواری کردند و همراهی خودشان را با ما اعلام کردند و خسته نباشید و (یا حیدر مدد) برای ما فرستادند.

عزیزی خودشان را معرفی نکردند و گفتند: "اگر امکان دارد در زیارت به حرم حضرت معصومه نایب الزیاره ما هم باشید." حتماً اگر لایق باشیم دعاگو و نایب الزیاره شما هستیم.

آقای زمانی از شیراز هم برای ما پیام فرستادند و از ایشان هم ممنون و سپاسگذار هستیم.

آقای وزواری از گلستان بندر گز هم که شاگرد همیشگی «شبکه جهانی ولایت» هستند هم برای ما پیام فرستادند.

آقای غلام حسن زردوست از زابل هم بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقا هادی عزیز از مشهد مقدس هم برای ما پیام فرستادند.

دیدگاه «محمد بن عبدالوهاب» نسب به استغاثه و توسل

استاد نظر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، علمای شیعه و همچنین علمای اهل سنت را در خصوص استغاثه و توسل را بیان کردید. حال نوبت به نظر «محمد بن عبدالوهاب» نسب به استغاثه و توسل است که باید این مورد را هم بیان کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دوستان عزیز مشاهده کنید که نظر علمای شیعه و علمای اهل سنت را بیان کردیم. حال بیایید نظر شخصی که به تعبیر «ابن فیروز» فرزند شیطان هست را بیان کنیم.

در کتاب «الرسائل الشخصية» اثر «امام محمد بن عبد الوهاب» که شک نیست امام شیاطین بود است مطلبی وارد شده است که می‌گوید:

«فی (الإقناع) فی باب حکم المرتد إجماع المذاهب کلهم علی أن من جعل بینه وبين الله وسائط يدعوهم أنه کافر مرتد حلال المال والدم»

تمام مذاهب اتفاق نظر دارند بر اینکه هرکسی بین خود و خدا واسطه قرار بدهد و او را صدا کند کافر است، مرتد است و جان و مالش هم حلال است.

الرسائل الشخصية، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومی، د. محمد بلتاجی، د. سید حجاب، ج ۱، ص ۱۴۷، باب ۴ - الرسالة الحادية والعشرون

البته در ادامه عرض خواهم کرد که «الإقناع» چه کتابی است و مؤلف این کتاب کیست! این شخص بیان نکرده است که «وسائط» زنده باشد یا مرده باشد، اسماء و صفات الهی باشد، عمل صالح باشد، انبیاء و صالحین باشد!!

در یکی از مناظراتی که آقای «عقيل بی‌عقل» با هم نوع خود داشت، می‌گفت: «محمد بن عبد الوهاب» از صاحب کتاب «الاقناع» نقل قول کرده است و حرف خودش نیست!!
مشاهده کنید که در صفحه ۱۶۷ این کتاب وارد شده است:

«وتأمل ما ذكره في الأمور التي تجعل المسلم مرتدًا يحل دمه وماله منها:»

دقت کن آنچه باعث می‌شود یک مسلمان مرتد شود و باعث می‌شود که جان و مالش هدر رود این است:

«من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهم»

بين خودش و خداوند واسطه‌ای قرار بدهد.

«كيف حكى الإجماع فى (الإقناع)»

بین چطور اجماعی در کتاب الاقناع نقل کرده است.

سپس می‌گوید:

«فإن عرفت أن فى المسألة خلافاً ولو فى بعض المذاهب فنبهنى»

اگر دیدید در بعضی از مذاهب خلافی هست به من خبر بدهید.

الرسائل الشخصية، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة:

الأولى، تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومى، د. محمد بلتاجى، د. سيد حجاب، ج ١، ص ١٦٧، باب الرسالة

الرابعة والعشرون

باید به این شخص بگوئیم: تو مصداق آیه شریفه:

(بَلْ هُمْ أَضَلُّ)

بلکه آنان گمراه‌ترند.

سوره اعراف (٧): آیه ١٧٩

هستی! آیا مطالبی که ما آوردیم را ندیدی؟! عبارت «ابن حجر هیثمی که ادعای اجماع می‌کند، «سبکی» که

ادعای اجماع می‌کند، «سمهودی» که ادعای اجماع می‌کند و ده‌ها عالم اهل سنت که بر مشروعیت توسل و

تشفع و استغاثه ادعای اجماع می‌کنند را ندیدی!؟

او می‌گوید: ببینید که اجماع در اقناع نقل کرده است. اگر خلاف دیدی، به من خبر بده و اگر چنانچه دیدی که اجماع صحیح است بر تکفیر هرکسی که این‌طور کار بده است و یا اصلاً راضی بشود. خود او واسطه قرار ندهد، ولی به واسطه دیگران راضی باشد؛ انکار دین است.

در رابطه با مؤلف «الإقناع» عزیزان به «سایت مکتبه شامله» بروید و مشاهده کنید که مؤلف آن «موسی بن احمد بن موسی بن سالم» است و یکی از کتاب‌هایی که نوشته است، «الإقناع فی فقه إمام احمد بن حنبل» است.

همچنین در «سایت ویکی‌پدیا» وارد شده است که لقب او «الحجاوی» بوده است و در سال ۹۶۸ هجری از دنیا رفته است. او «شرف الدین أبو النجا موسی بن أحمد» نام دارد و همچنین در مورد مؤلفات او می‌گوید:

«الإقناع و هو من أجل كتب الفقه عند حنابلة جرد فيه الصحيح من مذهب الإمام أحمد»

همچنین «ابن عماد» در مورد او گفته است:

«لم يؤلف أحد مؤلفاً مثله في تحرير النقول»

ما همین کتاب حرف «ابن تیمیه» را بیرون کشیدیم. دوستان عزیز ما اولین بار است کتاب «الإقناع» را نشان می‌دهیم تا ببینیم آقای «سجودی» چقدر مردانگی دارد.

کتاب «الإقناع فی فقه الإمام احمد بن حنبل» به تألیف «قاضی دمشق، العلامة المتبحر شیخ الاسلام المحقق أبی النجا شرف الدین موسی الحجاوی المقدسی» جلد چهارم که در «الأزهر» هم به چاپ رسیده است. ایشان در «باب حکم المرتد» می‌گوید:

«هو الذی یکفر بعد إسلامه»

مواردی که باعث می‌شود بعد از مسلمان شدن کافر شود.

او در ادامه تمام این موارد را بیان می‌کند و سپس می‌گوید:

«أو جعل بينه وبين الله وسائط يتوكل عليهم ويدعوهم ويسألهم إجماعاً»

الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: موسى بن أحمد بن موسى بن سالم بن عيسى بن سالم
الحجاوي المقدسي، ثم الصالحى، شرف الدين، أبو النجا (المتوفى: ٩٦٨ هـ)، المحقق: عبد اللطيف
محمد موسى السبكي، الناشر: دار المعرفة بيروت - لبنان، ج ٤، ص ٢٩٧، باب حكم المرتد

او در اینجا این موارد را نقل می‌کند، اما اینکه:

«كافر مرتد حلال المال والدم»

است را ندیدیم؛ اگر دوستان این موارد را در این کتاب پیدا کردند به ما هم خبر دهند. دقت کنید که در «باب
حكم المرتد» هستیم. حال دومرتبه به عبارتی که در کتاب «الرسائل الشخصية» وارد شده است، دقت کنید:

«في (الإقناع) في باب حكم المرتد إجماع المذاهب كلهم على أن من جعل بينه وبين الله وسائط
يدعوهم أنه كافر مرتد حلال المال والدم»

ما نمی‌دانیم «محمد بن عبد الوهاب» عبارت «كافر مرتد حلال المال والدم» را از کجا آورده است!! شاید پدر او
شیطان این مسائل را به او وحی کرده است؛ زیرا به فرموده قرآن کریم:

(إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

دیو نهادان به دوستان خود القا می‌کنند.

سوره انعام (٦): آیه ١٢١

ما ندیدیم، حال اگر بوده است آقایان به ما نشان بدهند. بنابراین معلوم شد که «محمد بن عبدالوهاب» خود چنین عقیده‌ای را دارد و برای عقیده خودش به حرف صاحب کتاب «الإقناع» استناد می‌کند.

برخی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

مجری:

من نگاهی به پیام‌های عزیزان داشته باشم. همچنان پیام‌های شما به دست من می‌رسد. برخی از بزرگان زمانی که لطف می‌کنند از طریق راه‌های ارتباطی که برایشان زیرنویس می‌شود پیام می‌دهند، اسم و نام شهر و دیارشان را نمی‌گویند.

تنها شماره تلفن این عزیزان روی صفحه مانیتور ما قرار می‌گیرد که ما نمی‌دانیم نام زیبای این عزیزان چیست و از کدام دیار برای ما پیام فرستادند.

با توجه به ایامی که در ابتدای برنامه گفتم و در آغاز سالروز ورود پرخیز و برکت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به شهر مقدس قم است، بسیاری از عزیزان سفارش کردند که ما را هم دعا کنید و در حرم به یاد ما باشید. حتماً به یادتان خواهیم بود!

برخی از دوستان حاضری خودشان را سر کلاس درس استاد قزوینی زدند و گفتند: ما در برنامه «جبل‌المتین» حاضر هستیم!!

آقای زمانی از زرنده پیام فرستادند.

آقای نیازمندی از شیراز گفتند: "از دیدار شما خوشحالیم!" ممنونم. واقعاً این احساس دوطرفه است. همان‌طور که شما نسبت به ما لطف و عنایت و مرحمت دارید، ما هم نسبت به شما ارادت ویژه داریم.

آقا رضا از علی آباد کارزین برای ما پیام فرستادند و یک یا علی مدد گفتند.

عزیز دیگری هم از برنامه تشکر کردند و گفتند: "خواهش می‌کنم وقتی به مسجد جمکران و حرم بی‌بی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) رفتید، التماس دعا دارم."

آقای غفار باقری نژاد از خراسان شمالی برای ما پیام فرستادند که از این عزیز هم ممنون و سپاسگذار هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دومرتبه به کتاب «الرسائل الشخصية» دقت کنید:

«من أعظم نواقض الإسلام عشرة:»

بزرگ‌ترین مواردی که انسان اسلام را نقض می‌کند ده مورد است:

«الأول: الشرك في عبادة الله»

سپس می‌گوید:

«الثاني: من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهم ويسألهم الشفاعة كفر إجماعاً»

دوم: هرکسی بین خود و خدا واسطه قرار بدهد، اجماعاً کافر است.

دقت کنید که این مورد دیگر حرف خود اوست و از صاحب کتاب «الإقناع» نقل قول نکرده است.

«الثالث: من لم يكفر المشركين، أو شك في كفرهم، أو صحح مذهبهم كفر إجماعاً»

سوم: هرکسی این افراد را کافر نداند، یا در کافر بودن آنها شک کند، او هم کافر است.

الرسائل الشخصية، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة:

الأولى، تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومي، د. محمد بلتاجي، د. سيد حجاب، ج ١، ص ٢١٢، باب الرسالة

الثانية والثلاثون

به عبارت دیگر هرکسی افرادی که توسل می‌جویند را کافر نداند، او هم کافر است. دوستان عزیز مقداری دقت کنید و ببینید این شخص چکار می‌کند.

دوستان عزیز آقایان وهابی ادعا کردند که ما هشتاد و سه روز است به مراجع نامه نوشتیم و آنها به ما جوابی ندادند. ما عرض کردیم جواب شما کاملاً مشخص است؛ مراجع عظام تقلید شما را آدم حساب نمی‌کنند.

بنده در سال ۱۳۸۲ دیداری با «آل شیخ» مفتی اعظم عربستان سعودی داشتم که در تاریخ ۲۵ جمادی الاولی بود که من به ایشان گفتم که بعضاً سؤالاتی برای ما پیش می‌آید.

این شخص شماره تلفن خود را در ریاض به همراه ایمیل و شماره فکس خود را در اختیار من گذاشت. بنده بعد از این دیدار به قم برگشتم و بعد از ده روز نامه‌ای به ایشان نوشتم و در آن نامه سه سؤال از ایشان پرسیدم و برای ایشان فرستادم.

الآن سیزده سال از آن ماجرا گذشته است و ایشان هنوز جواب نامه مرا نداده است. این در حالی است که خود این شخص شماره تلفن و فکس خود را در اختیار من گذاشت و گفت اگر سؤالی داشتی برای من ارسال کن.

مراجع عظام تقلید برای این آقایان ارزشی قائل نیستند که به سؤالات ایشان پاسخ بدهند؛ حال ۸۰ روز هم از تاریخ ارسال نامه گذشته باشد تفاوتی ندارد. الآن سیزده سال از تاریخ ارسال نامه ما می‌گذرد و ما هنوز منتظر جواب نامه هستیم.

مجری:

حاج آقا ایشان نامه را دریافت کرده است، ولی جوابی ندارد که به نامه بدهد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته سؤالاتی که از ایشان پرسیدم مقداری تند است و حتی از «پروفسور غامدی» و «شیخ محمد بن زیلو» هم این سؤالات را پرسیدم، اما ایشان هم جوابی به سؤالات من ندادند.

بنده همچنین این سؤالات را از دانشجویان آنها پرسیدم و آنها هم جوابی برای سؤالات من نداشتند و گفتند که از استادان خود سؤال می‌کنیم و هنوز جوابی از اساتید خود برای ما دریافت نکردند.

«محمد بن عبدالوهاب» معتقد است که توسل زنده و مرده ندارد؛ شخص هرکسی را بین خود و خدا قرار بدهد مرتکب کفر شده است.

دوستان عزیز مشاهده کنید کتاب «الدرر السنیه فی الأجوبة النجدیه» کتابی است که در آن مجموعه نامه‌ها و سؤالاتی که از علمای نجد از زمان «محمد بن عبدالوهاب» تا الآن جمع‌آوری شده است.

جلد اول این کتاب که «کتاب العقاید» نام دارد، عبارتی از «شیخ محمد بن عبدالوهاب» وارد شده است که می‌گوید:

«الذی أنکرناه علیهم، وکفرناهم به فإنما هو:»

آنچه ما بر مسلمانان انکار می‌کنیم و به واسطه آن مسلمانان را کافر خطاب می‌کنیم این است:

«الشرك بالله، مثل أن تدعو نبيا من الأنبياء، أو ملکا من الملائكة»

شرك به خداوند به صورتی که پیغمبر اکرم یا ملکی از ملائکه را صدا کنند.

الدرر السنیه فی الأجوبة النجدية، المؤلف: علماء نجد الأعلام، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم،

الطبعة: السادسة، ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص ۱۴۴، باب كتاب العقائد

این شخص در اینجا ادعا می‌کند که اگر کسی ملائکه را صدا کند کافر است؛ آیا ملائکه مرده و زنده دارند؟!

مشاهده کنید که بحث زنده و مرده نیست!!

همچنین او در کتاب «کشف الشبهات» که یکی از ننگین‌ترین کتب «محمد بن عبدالوهاب» است، می‌گوید:

«وأن قصدهم الملائكة، والأنبياء، والأولياء، يريدون شفاعتهم والتقرب إلى الله بذلك هو الذي أحل

دماءهم وأموالهم»

کسانی که ملائکه، انبیاء و اولیاء را قصد می‌کنند و از آن‌ها شفاعت می‌خواهند تا به خداوند نزدیک

شوند، قتل و تصرف اموال این شخص واجب است.

کشف الشبهات، المؤلف: الإمام محمد بن عبد الوهاب، الطبعة: الأولى، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية

والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، تاريخ النشر: ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۴، الفصل الثاني

بيان الأدلة على أن المشركين الذين قاتلهم رسول الله

دیگر از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم. همچنین در کتاب «الدرر السنیه فی الأجوبة النجدية» وارد شده

است:

«من دعا على بن أبي طالب فهو كافر، ومن شك في كفره فهو كافر»

هرکسی علی بن ابی طالب را صدا بزند کافر است و هرکسی هم در کفر او شک کند کافر است.

الدرر السنیه فی الأجوبة النجدية، المؤلف: علماء نجد الأعلام، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم،

الطبعة: السادسة، ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۶ م، ج ۸، ص ۲۱۹

مشاهده کنید که مبنای کار آقایان این است که هرکسی «یا علی» بگوید کافر است!!

همچنین در لجنه افتاء عربستان وارد شده است که هرکسی «یا علی»، «یا حسن» و «یا حسین» بگوید مشرک

و از اسلام مرتد هستند و ذبیحه آنان را هم نمی‌توان خورد؛ گرچه بسم الله الرحمن الرحیم گفته باشند!!

این در حالی است که آقایان به صراحت می‌گویند: ما تکفیری نیستیم و اصلاً «محمد بن عبدالوهاب» کسی را

تکفیر نکرده است!! این افراد زمانی که دروغ می‌گویند، خودشان هم باور می‌کنند که دارند راست می‌گویند.

می‌گویند شخصی قصد فروش الاغ خود را داشت و آن را به یک دلال سپرده بود. دلال شروع به تعریف کرد و

به مردم گفت که این الاغ روزی نیم کیلو یونجه می‌خورد و به چهار نفر سواری می‌دهد، از اسب و قاطر هم جلوتر

می‌رود و از بیست و چهار ساعت دو ساعت بیشتر نمی‌خوابد. صاحب الاغ که این تعاریف را شنید، پولی به دلال

داد و الاغ را پس گرفت!!

این حکایت آقایان وهابی است؛ آن‌ها در مواقعی به قدری دروغ می‌گویند تا حتی خودشان هم دروغ‌های خود را

باور می‌کنند!! مشاهده کنید که بنده حتی یک مورد از این مدارک را بدون تصویر بیان نکردم.

بنده بازهم به آقای «سجودی» با تمام اختلافاتی که با هم داریم عرض می‌کنم: شما دیشب ادعا کردید که اگر

آقای «قزوینی» جواب من را بدهد، من قول می‌دهم این مطالب را پخش کنم؛ خب بفرمایید!!

اگر این مطالب را پخش کردید، بنده مطالبی در رابطه با تضعیف آقای «ذهبی» نسبت به «بخاری» مطالبی بیان

خواهم کرد، همچنین مطالبی در رابطه با اینکه «ابن تیمیه» تمام اهل سنت را کافر دانسته است نشان خواهم

داد.

در این زمان معلوم خواهد شد که ما دروغ می‌گوییم یا راست می‌گوییم. از این آقای شریک دزد سؤال می‌کنند

که خواستند شما مدارکتان را بدهید. این شخص می‌گوید: سؤال من مدرک من است.

خدا می‌داند سؤالاتی نسبت به حضرت ابوطالب (سلام الله علیه) داشت که بنده در فرصتی مناسب شخصاً به این سؤالات پاسخ خواهم داد.

در این زمینه تنها جمله‌ای از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کنم. شخصی نزد حضرت آمد و به ایشان عرض کرد: یا علی! تو چنین جایگاهی داری و پدرت در آتش جهنم است.

حضرت به او فرمود: دهانت بشکند!! من «**قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ**» هستم، آنوقت پدرم در آتش جهنم باشد؟!!

شخصی به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: یا بن رسول الله! می‌گویند «ابوطالب» در آتش است. حضرت به او گفت:

«کان مسیرک الی النار»

یقین داشته باش آخر کار در آتش جهنم هستی.

الطرائف / ترجمه داود إلهامی، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، مترجم: الهامی، داوود، ص ۴۴۹،

باب ایمان ابو طالب (علیه السلام)

ما حضرت ابوطالب (سلام الله علیه) را بعد از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) افضل‌ترین صحابه می‌دانیم؛ زیرا خدمات آن بزرگوار خدماتی غیر قابل انکار است و در این رابطه ادله مفصلی هم داریم.

آقای «سقاف» مقاله‌ای نوشته است که در اینترنت هم موجود است. ان‌شاءالله اگر آقای اسماعیلی به بنده یادآوری کنند، من مطالبی در این زمینه بیان خواهم کرد.

«سقاف» یکی از بزرگان و شخصیت‌های اهل سنت است که علیه «ابن تیمیه» بزرگ‌ترین کتاب را نوشته است.

من گمان نمی‌کنم در میان علمای شیعه کسی به اندازه «سقاف» اقدامات پلید «ابن تیمیه» را برملا کرده

باشد!!

ایشان در «شبكة المستقلة» مناظره مفصلی داشتند که واقعاً سنگ تمام گذاشتند. من از دوستان واحد تدوین درخواست می‌کنم که مناظره ایشان را پیدا کنند و ترجمه کنند تا آن را به صورت فارسی و عربی پخش کنیم.

حضرت آیت الله العظمی سبحانی (حفظه الله) و آقای «نواب» که چندین سال در مکه بودند به همراه چند تن از دوستان به منزل ما تشریف آوردند و مناظرات ایشان را در منزل ما تماشا کردند. مناظره ایشان واقعاً عالی است!

آقای «سقاف» مقاله‌ای در رابطه با ایمان حضرت ابوطالب (سلام الله علیه) دارد. «علامه امینی»، «سید محسن امین» و دیگران در این زمینه مقالات بسیاری نوشتند؛ اما به نظر من بهترین مقاله در ایمان حضرت ابوطالب مقاله‌ای است که آقای «سقاف» نوشته است.

بنده هر زمانی که این مقاله را می‌خوانم، از صمیم قلب این شخص را دعا می‌کنم. من در خدمت شما هستم.

مجری:

استاد از شما ممنونم. خیلی فرصت نداریم، با این حال دوستان تلاش کردند و چند دقیقه‌ای به ما فرصت دادند. با توجه به اینکه در ساعت ده به وقت ایران باید برنامه زنده دیگری پخش شود، فرصت زیادی نداریم. ان شاء الله ما در فرصت‌های بعدی در خدمت عزیزان بیننده باشیم.

بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

بنده چند مورد از پیام‌های عزیزان بیننده بخوانم و بعد ان شاء الله دعای جناب استاد را داشته باشیم.

آقای حسن علی اف از جمهوری آذربایجان منطقه نخجوان برای ما پیام فرستادند. از این عزیزان بسیار ممنونیم.

آقای حسین ملکی از قم از همه اساتید «شبکه جهانی ولایت» تشکر کردند و گفتند: اساتید «شبکه جهانی ولایت» با وهابیت کاری کردند که آنها دیگر جرئت بردن کلمه مناظره را ندارند.

امید سامریان خسته نباشید گفتند و در ادامه گفتند: ما هم سر کلاس درس استاد حاضر هستیم. از این عزیزمان ممنونیم.

آقای علیرضا از داراب هم بزرگواری کردند و از ایشان هم ممنونیم.

آقای محمد حسین یوسفی از کابل هم پیام فرستادند.

آقا یاسر از آبادان برای ما پیام فرستادند.

آقای قیس از خوزستان هم بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

احمد آقا از گلستان و همچنین آقای حسین قویدل از تبریز برای ما پیام فرستادند.

عزیزی هم گفتند: ما را در حرم از دعا فراموش نکنید.

آقا محمود از آلمان پیام فرستادند که حتماً دعاگوی این عزیزان هستیم.

تماس بینندگان برنامه:

در حد چند دقیقه‌ای که از برنامه باقی مانده است چند تلفن داشته باشیم. آقا رضا از مشهد مقدس پشت خط

ارتباطی ما هستند. آقا رضا سلام به شما:

بیننده (آقا رضا از مشهد - شیعه):

خدمت جناب آقای اسماعیلی و دکتر قزوینی سلام و عرض ادب دارم.

مجری:

ممنون و متشکرم، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

با نام علی اگر هلاکم سازند

در عرض روم چو زیر خاکم سازند

گفتند که ناپاک مبر نام علی

من نام علی برم که پاکم سازند

این مطلبی در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود. یک کلمه خطاب به دشمنانی که پا را فراتر

گذاشتند و به نظام و رهبر نظام و همچنین دولت مردان توهین می کنند، بیان می کنم:

بدانید و آگاه باشید من با مقام معظم رهبری در یک طرف کارزار و شما سیل جمعیت در طرف دیگر میدان

کارزار باشید. من خود را سپر بلائی وجود رهبرم می کنم، تا تیرهای بلا به من اصابت کند و وجود آن بزرگوار از

هرگونه تیر بلا پاک و در امان باشد.

مجری:

آقا رضا از لطف شما ممنونم و از شما تشکر می کنم. فرصت ما خیلی کم هست و باید تلفن های دیگر را هم

جواب بدهیم و دوستان پشت خط ارتباطی هستند.

از این همه رشادت و دلیری و شجاعت و جانبازی و سرافرازی شما ممنونیم. ان شاء الله خداوند به شما سلامتی

بدهد. آقا الیاس از دزفول سلام به شما:

بیننده (آقا الیاس از دزفول - شیعه):

سلام. امیدوارم حال شما خوب باشد. سلام عرض می‌کنم خدمت جناب آقای قزوینی و آقای اسماعیلی. جناب آقای قزوینی من یک سؤال مهم از شما داشتم. شما دوست دارید که این اختلافات میان شیعه و اهل سنت برطرف شود و یک امت واحد شوند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله؛ این دستور قرآن کریم و ائمه طاهرين (عليهم السلام) و مراجع ما است.

بیننده:

شما دوست دارید علاوه بر اینکه شیعه و اهل سنت یک امت واحد شوند، تمام مردم دنیا مسلمان شوند و امت واحدی را تشکیل بدهند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیزم بحث وحدت، وحدت مذهبی نیست؛ بلکه وحدت اجتماعی است. در سایه سار این وحدت باید به همدیگر توهین نکنیم، فحش ندهیم، ناسزا نگوییم، در صف واحد در برابر دشمنانی که می‌خواهند اسلام را از بین ببرند بایستیم و به جان هم نیفتیم.

مشاهده کنید در سوریه و عراق چقدر مردم کشته شدند؛ درحالی‌که هر دو طرف مسلمان هستند. والله ما راضی نیستیم حتی خاری به انگشت آن تروریستی که برای جنگ به این کشورها آمده است، برود؛ زیرا گوینده «لا اله

الا الله» و «محمد رسول الله» است!!

بیننده:

آقای قزوینی ان شاءالله بنده می توانم این کار را انجام بدهم، اما این کار یک هزینه ای دارد و هزینه آن هم جواب دادن به یک سؤال بسیار بسیار مهم درباره دین خداوند است!!

مجری:

آقا الیاس چکار می خواهید بکنید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤالتان را بفرمایید.

بیننده:

بنده قبل از اینکه این سؤال خیلی مهم را مطرح کنم، خودم را به صورت مختصر معرفی کنم.

مجری:

شما شیعه هستید یا اهل سنت هستید؟!

بیننده:

فرقی نمی کند.

مجری:

برای ما فرق می کند.

بیننده:

من شیعه هستم. اجازه بدهید خیلی کوتاه خود را برای بینندگان عزیز معرفی کنم.

مجری:

فقط سریع خودتان را معرفی کنید، زیرا وقت کمی داریم.

بیننده:

بنده محقق قرآن کریم هستم و تحقیقات گسترده‌ای روی قرآن کریم و احادیث معصومین داشتم. بنده از سی سال پیش شروع به این کار کردم و تا پنج سال خواندن هر کتابی غیر از قرآن کریم را بر خود حرام کردم؛ مگر کتابی که در رابطه با قرآن کریم باشد.

بنده یک کتاب قرآن کشف الآیات دار هم تهیه کردم و شروع به نوشتن آیات قرآن کریم به صورت موضوعی کردم که این کار دوازده سال طول کشید.

بنده با نوشتن آیات قرآن کریم به صورت موضوعی بود که فهمیدم یک اصولی بر آیات قرآن کریم حاکم است. خداوند متعال خواست که با مسلط شدن بر این اصول به باطن کتاب خدا راه پیدا کنم.

مجری:

آقا الیاس سؤالتان را بگویید، فرصت نداریم.

بیننده:

این را بگویم که روی تورات، انجیل، اوستا، گیتا و همچنین مذاهب باستانی از جمله میترائیسم و همچنین مذاهب دیگر دنیا تحقیق کردم. سؤال من این است که:

"اگر من در یک مناظره تلویزیونی با استناد محکم به کتاب خدا و احادیث مطابق با کتاب خدا به همه شما صاحبان مذاهب اعم از شیعه، سنی، یهودی، نصاری، بودائی، زرتشتی و هندو ثابت کنم که این مذاهب شما

ربطی به دین خداوند ندارند و دین خداوند چیز دیگری است؛ آیا حاضرید دست از این مذاهب برداشته، به دین خدا گرویده اسلام بیاورید تا رستگار شوید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما اسلام شما را به شما تبریک می‌گوییم و نیازی به چنین اسلامی نداریم. خیلی رک بگوییم که ما چنین اسلامی را قبول نداریم!!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) حدود ۴۰ روایت بلکه بیشتر دارند، مبنی بر اینکه:

«أَنْتَ وَ شِيعَتِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»

الأمالی، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ص ۵۵۱، ح ۱۱۶۸

و:

«يا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتِكَ فِي الْجَنَّةِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۵،

ص ۱۳۶، ح ۷۲

بنیانگذار بحث تشیع که ما افتخار داریم که نام آن روی ما است، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است. بزرگان اهل سنت هم اعتراف کردند که بنیانگذار تشیع پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است.

تعدادی از صحابه در زمان پیغمبر اکرم اعتراف کردند که شیعه تربیت یافته پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند.

برادر من ما از زحمات شما تشکر می‌کنیم؛ اما ضمن احترام به شما باید بگویم قرآن خواندنی که این قدر ما را از قرآن دور کند به درد نمی‌خورد!!

(وَ نُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا)

و ما آنچه از قرآن فرستیم شفای دل و رحمت الهی بر اهل ایمان است، لیکن کافران را به جز زیان چیزی نخواهد افزود.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۸۲

مجری:

ایشان ادعای بزرگی کردند و گفتند که به باطن قرآن پی بردم!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده در سال ۱۳۶۳ دوستی داشتم که ایشان قبل از نماز مغرب که ما حرم می‌رفتیم و پشت سر آیت الله العظمی مرعشی نجفی نماز می‌خواندیم، ایشان صحبت‌های قرآنی می‌کرد و اطلاعات زیبایی از آیات قرآن کریم داشتند و آیات را کنار هم می‌چیدند.

یک روز ایشان گفت: من احساس می‌کنم امام صادق (علیه السلام) چنین تسلطی که من به قرآن کریم دارم را نداشت!!

همین که این شخص این حرف را زد، بنده به او گفتم: من نمی‌دانستم جنابعالی از خر، خرتر هستی!! کسی که چنین نگاهی به قرآن کریم داشته باشد، مصداق این آیه از قرآن کریم است که می‌فرماید:

(وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا)

قرآن کریم هم جواب این افراد را به این صورت داده است:

(مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً)

وصف حال آنان که تحمل (علم) تورات کرده و خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد).

سوره جمعه (۶۲): آیه ۵

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ»

کتاب بدون عترت ضلالت آور است؛ چنانکه عترت بدون کتاب هم ضلالت آور است و در او هیچ شکی نیست!!

کسانی که عترت را چسبیدند و قرآن را رها کردند و به نماز و روزه و سایر اعمال عبادی اهمیت نمی‌دهند، ما آن‌ها را گمراه می‌دانیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: شیعیان هیچ ارتباطی میان ما و خداوند متعال نیست،

«مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَلي»

هرکسی مطیع خداوند باشد، او دوست ماست.

«وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِياً فَهُوَ لَنَا عَدُو»

کسی که قرآن را کنار بگذارد و معصیت کند، او دشمن ماست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۷۵، ح ۳

ائمه طاهرین (علیهم السلام) احیاگر و ناشر قرآن کریم هستند.

مجری:

بسیار عالی، از شما ممنونم. با توجه به اینکه کسی چنین ادعایی کند که من به باطن قرآن کریم پی بردم، دیگر کاملاً مشخص است و قضاوت را به عهده بینندگان عزیز خواهیم گذاشت.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جالب است که ایشان به عنوان وحدت قدم پیش می‌گذارد، درحالی‌که این اقدام اول اختلاف است. در این صورت باید همگی بر عقایدمان خط بطلان بکشیم و وحدت ایجاد کنیم.

من از این برادر عزیزم عذرخواهی می‌کنم و به زحمات شما احترام می‌گذارم، اما حداقل شما احساس کنید الآن حدود ۵۰ میلیون این برنامه را می‌بینند؛ اگر ما موضع صحیح نگیریم اختلاف ایجاد خواهد شد.

ما با شیعه، سنی و وهابی تعارف نداریم؛ آنچه تشخیص بدهیم حق است عرض می‌کنیم. «حَتَّىٰ بَلَغَ مَا بَلَغَ». ما معصوم نیستیم و ادعای عصمت هم نداریم، اما اگر نسبت به کسی تشخیص صحیح بدهیم و نسبت به او قطع و یقین داشته باشیم از او حمایت می‌کنیم.

مجری:

بسیار از شما متشکرم و از عزیزان بیننده‌ای که اسامی‌شان را هم به من دادند، اما فرصت نشد تا صدایشان را بشنویم و برنامه به پایان رسید. از همکارانم تشکر می‌کنم که مقداری وقت اضافه به ما دادند که حداقل بتوانیم چند تلفن پخش کنیم. استاد دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک بگردان، ما را از یاران مخلص و سربازان فداکار آن نازنین وجود قرار بده.

خدایا به حق محمد و آل محمد چشمان گنهکار ما را به دیدن جمال نورانیش منور بگردان و افتخار خدمتگزاری و شهادت در رکاب آن حضرت را نصیب ما بگردان.

خدایا به حق محمد و آل محمد ما را با قرآن و اهل بیت در دنیا و آخرت محشور بگردان، ما را یک لحظه از قرآن کریم و اهل بیت جدا نکن.

خدایا به حق محمد و آل محمد رفع گرفتاری از همه گرفتاران بفرما، حوائج حاجت مندان روا نما.

خدایا به حق محمد و آل محمد حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان ولایت یاور برآورده نما، دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از تک تک شما دوستان خوب بیننده که برنامه زنده «جبل المتین» را همراهی کردید ممنونم، در پناه حضرت حق و زیر سایه حضرت مرتضی علی (سلام الله علیه) باشید.

یا علی مدد، خدانگهدار

